

دانشناک - خویبون

نگاهی به هم‌پیمانی ارمنی‌ها و کردها
در شورش آارات (۱۳۰۹-۱۳۰۷ ش.)

جهانگیر اندجانی

کار و ساسونی

به کوشش

کاوه بیات

سرشناسه	اندجانی، جهانگیر
عنوان و نام پدیدآور	: دانشاک، خویبون: نگاهی به هم پیمانی ارمنی‌ها و کردها در شورش آزارات (۱۳۰۹-۱۳۰۷ ش).
مشخصات نشر	: تهران: پردیس دانش ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص:؛ مصور: ۱۴/۵*۲۱/۵ س م.
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۶۵
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰-۱۱۵-۲
فهرست نویسی	: فیبای مختصر
یادداشت	: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شناسه افزوده	: ساسونی، کارو، ۱۸۸۹-۱۹۷۷ م.
شناسه افزوده	: کاوه بیات، ۱۳۳۳-
شماره کتاب شناسی ملی	: ۳۸۷۷۹۷۵



دانشاک - خویبون

نگاهی به هم پیمانی ارمنی‌ها و کردها
در شورش آزارات (۱۳۰۹-۱۳۰۷ ش)
نویسنده: جهانگیر اندجانی / کارو ساسونی
به کوشش: کاوه بیات
انتشارات: پردیس دانش
طراح جلد: پردیس خرمی
چاپ: پردیس دانش
تیراژ: ۷۷۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۹۴
حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵
تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ - فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱
همراه: ۰۹۳۶۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.net

فهرست مطالب

۷	مقدمه
	بخش اول:
۱۹	جنبش‌های ملی‌گردد و روابط ارمنی‌ها و گردها/ کارو ساسونی
	بخش دوم:
۵۵	داشناک - هویبون / جهانگیر اندجانی
۱۴۳	پیوست‌ها
۱۴۹	فهرست اعلام
۱۶۱	تصاویر پیوست

مقدمه

تحرکات سیاسی و اجتماعی جوامع گُرد در طول زمان همیشه به نوعی تحت تأثیر ساختار ایلی و عشایری این جوامع بوده است؛ اگرچه با یکجانشین شدن گُردها در طول سده‌های اخیر و دگرگونی‌هایی که این حوزه را نیز همچون دیگر حوزه‌های خاورمیانه تحت‌الشعاع قرار داده است، این ویژگی تا حدود زیادی اهمیت خود را از دست داده است ولی هنوز هم در سامان سیاسی و اجتماعی جوامع گُرد نشانه‌های پُرننگی از آن را می‌توان ملاحظه کرد.

در سال‌های بعد از جنگ اول جهانی بنا به مجموعه‌ای از دلایل از جمله لزوم طرح یک ترتیب جدید برای اداره حوزه‌های برجای‌مانده از امپراتوری عثمانی، بحث گُرد و گُردستان نیز به یکی از مباحث اصلی این منطقه تبدیل شد. در کنار الغای خلافت عثمانی و برآمدن یک جمهوری مدرن در ترکیه که بسیاری از پیوندهای سنتی استانبول و قلمرو پیرامونی‌اش را سست کرد، سخنانی که نیز در محافل پیروز جنگ از امکان اعطای خودمختاری و حتی استقلال به حوزه‌های گُردنشین عثمانی به میان آمد در دامن زدن به آن بحث و تحرکات حاصل از آن مؤثر واقع شد.

تحرکاتی چون قیام شیخ سعید پیران در سال ۱۳۰۴ شمسی بر ضد جمهوری نوپای تُرک که از نظر نیروهای سنت‌گرا غاصب گُرسی خلافت

محسوب می‌شد و هم‌زمان با آن تلاش‌های شیخ محمود برزنجی در حوزه‌های گردنشین بین‌النهرین برای تشکیل یک حکومت خودمختار و حتی مستقل.

در پی شکست این رشته تحرکات، پاره‌ای از فعالین گرد در مقام نقد و ارزیابی آنچه گذشت به این نتیجه رسیدند که وجه عشایری این تلاش و تکیا با تبعاتی چون رقابت و تقابل اجتناب‌ناپذیر واحدهای گوناگون ایلی با یکدیگر، یک نظام رهبری غیرمنعطف و سستی و دیگر خصوصیات غالب بر جوامع گرد، از عوامل مهم آن شکست و ناکامی بوده و برای جلوگیری از بروز ناکامی‌هایی مشابه به یک سازمان سیاسی متفاوت یا به عبارت دقیق‌تر یک سازمان بیشتر سیاسی و کمتر ایلی نیاز است. تشکیل سازمان خویون، به معنای خود بودن و استقلال که تحرکات آن در خلال نیمه دوم دهه ۱۳۰۰ شمسی / ۱۹۲۰ میلادی موضوع اصلی این مجموعه نیز می‌باشد بر یک‌چنین زمینه‌ای استوار بود.

حزب داشناکسوتیون ارمنستان در چارچوب کارزار گسترده‌ای که بر ضد ترک‌ها در پیش روی داشت و در جستجوی طیف متنوعی از نیروهای پشتیبان، در شکل دادن به این نگاه جدید نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. و این نقش فقط به وجه نظری کار یعنی ارائه نوعی دیدگاه آریایی / ایرانی در تقابل با توران‌گرایی جاری در میان ترک‌ها محدود نماند، با مجموعه‌ای از کمک‌های تشکیلاتی، تدارکاتی و حتی نظامی توأم شد. شورش گروهی از گردهای ترکیه در حول و حوش ارتفاعات آارات که به آغری یا اگری نیز معروف است در فاصله سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ شمسی حاصل عملی و نهایی این هم‌پیمانی ترک‌ها و ارمنی‌ها بود.

با آن‌که در مورد این موضوع بخصوص و اصولاً کل ماجرای خویون و شورش آارات هنوز بررسی مستقلی به زبان فارسی منتشر نشده است ولی

کمتر نوشته‌ای کلی را در مورد تاریخ معاصر کردها می‌توان سراغ کرد که به نحوی از انحاء بخشی را نیز به این موضوع اختصاص نداده باشد.^۱

در این مقدمه به توضیح بیشتر در مورد کم و کیف این شورش نمی‌پردازیم زیرا علاوه بر مآخذ پیش گفته، ترجمه فارسی بخشی از کتاب جنبش‌های ملی‌گردد و روابط ارمنی‌ها و کردها به قلم کارو ساسونی نیز که در ابتدای این مجموعه آمده است، خود می‌تواند در مقام مقدمه‌ای جامع بر کل بحث لزوم افزودن توضیحی از آن دست را متفی گرداند. با توجه به تاریخ چاپ اول کتاب کارو ساسونی در سال ۱۹۳۲ میلادی در بیروت، آن را می‌توان یکی از نخستین تحقیقاتی دانست که در توصیف تاریخچه تحركات سیاسی کردها منتشر شده است؛ البته ناگفته نماند که دو بخش ترجمه شده در این مجموعه بر اساس چاپ بعدی این کتاب صورت گرفته است.

کارو ساسونی (۱۸۸۹-۱۹۷۷) از اعضای سرشناس حزب داشناکتسوتیون در دوره جمهوری اول ارمنستان، در چند سال بعد از جنگ اول جهانی برای مدتی حکومت الکساندروپل و دیگر قسمت‌های جنوبی جمهوری را برعهده داشت.^۲ احتمالاً آشنایی او با تحولات جاری در حوزه‌های گردنشین آن سامان و بر همین اساس نقش بعدی وی در تهیه و تدارک زمینه همکاری

۱. برای مثال بنگرید به رابرت اولسن، قیام شیخ سعید پیران (کردستان ۱۹۲۵)، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۷؛ مارتین وان بروینسن، جامعه‌شناسی مردم‌گرد (آغا، شیخ و دولت)، تهران: انتشارات پانیز، ۱۳۷۸؛ کریس کوچرا، جنبش ملی‌گردد، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۳؛ کندال و دیگران، کردها، تهران: روزبهان، ۱۳۷۰ و دیوید مک‌داول، تاریخ معاصر گردد، همگی به ترجمه شادروان ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات پانیز، ۱۳۸۰.

۲. برای آگاهی بیشتر از زندگانی کارو ساسونی بنگرید به:

Christopher J. Walker, *Armenia, The Survival of a Nation*, CroomHelm, London, 1980, pp. 413-414.

(از این کتاب برای شناسایی پاره‌ای از دیگر چهره‌های ارمنی که در رساله داشناک - هوپیون از آن‌ها یاد شده است نیز بهره‌برداری گردید).

دانشناکستویون و گردها در خلال دوره خویبون و شورش آرات نیز به همین تجربه برمی گردد.

نوشته کارو ساسونی علاوه بر ارزشی که از نقطه نظر ارائه یک شمای تاریخی از مباحث مطرح در این مجموعه دارد از یک منظر دیگر نیز مهم است؛ یعنی طرح و بحث موضوع بر اساس نوعی دیدگاه آریایی / ایرانی در مقابل با ترک‌گرایی که ترک‌ها را واداشت در مقام تقابل با چنین آرائی برآیند. رساله دانشناک - خویبون را می‌توان یکی از مهمترین نتایج این واکنش دانست.

رساله‌ای که کم و بیش هم‌زمان به زبان ترکی در سال ۱۹۳۰ در استانبول و در سال ۱۹۳۱ نیز به زبان فارسی در قاهره منتشر شد و آنچه در این مجموعه بعد از نوشته کارو ساسونی ارائه می‌شود آن متن فارسی است؛ رساله‌ای در ۹۶ صفحه به قطع وزیری، چاپ سربی که در سال ۱۹۳۱ در مطبعه اخوت قاهره منتشر شده است.^۱ در متن ترکی جز محل، سال و چاپخانه - آنکارا، ۱۹۳۱، مطبعه ترک‌اوجاتی - اطلاع دیگری ملاحظه نمی‌شود،^۲ اما در متن فارسی از شخصی به نام جهانگیر اندجانی [اندیجانی] در مقام نویسنده یاد شده است، همراه با یک بخش مقدماتی تحت عنوان «حسب حال و اظهار مافی‌البال» در هفت صفحه، در شرح حال شخص مذکور که در متن ترکی نیست. مابقی این رساله با تفاوت‌هایی چند^۳ در ترتیب فصل‌های کتاب، با متن ترکی مطابقت دارد.^۴

۱. روی جلد تاریخ انتشار اردیبهشت ۹۳۰ ذکر شده ولی بر اساس برگه‌ای که بر صفحه اول رساله الصاق شده، تاریخ ۱۹۳۱ قید شده و در مقدمه نیز اردیبهشت ۳۱ آمده است.

۲. تصویر صفحه عنوان متن ترکی پیوست شده است.

۳. متن فارسی دانشناک - خویبون را اگر ترجمه‌ای از متن ترکی محسوب داریم با توجه به لغظاتی‌ها و عبارت‌پردازی‌های جهانگیر اندجانی، آن را می‌توان نوعی ترجمه آزاد نیز محسوب داشت.

۴. عناوین فصل‌های اصلی و بخش‌های تابعه متن ترکی جهت آگاهی بیشتر در انتهی کتاب پیوست شده است.

متن ترکی تاشناک- هویبون که در این بررسی به لحاظ نگارنده رسیده، کتابچه‌ای است که بر اساس متن اصلی چاپ ۱۹۳۱ در سال ۲۰۰۵ و با مشخصات ذیل در ترکیه بازچاپ شده است.^۱ در مقدمه چاپ جدید جز نوعی پیش درآمد تأییدآمیز بر محتوای اصلی این رساله که اصولاً نوشته‌ای جدلی- تبلیغاتی بر ضد ائتلاف ارمنی‌ها و کردها در آن دوره بخصوص بود، هیچ آگاهی دیگری ارائه نشده است. از این رو می‌توان گفت که مقدمه مزبور به توضیح نحوه تدوین و چگونگی انتشارش کمکی نمی‌کند اما در انتهی چند سند و گزارش و تصویر البته آن‌هم بدون ذکر مأخذ پیوست شده‌اند که به هر روی از لحاظ تاریخی می‌توانند به‌کار آیند.^۲

با این حال صرف شناسایی منشأ صدور و نشر این رساله، یعنی تشکیلات ترک‌اوجاکی خود از لحاظ تبیین جایگاه تاریخی آن مهم است. ترک‌اوجاکی در فاصله برآمدن پان‌ترکیسم به صورت یک حرکت منسجم سیاسی و فرهنگی در سال‌های نخست دهه ۱۹۱۰ میلادی تا حدود بیست سال بعد که به تدریج در مؤسسات رسمی جمهوری ترکیه ادغام شد، مهمترین نهاد فعال در آن عرصه بود^۳ و تصمیم این نهاد برای ترجمه و تکثیر این رساله به زبان فارسی، آن‌هم به صورتی مخفی و مستعار و نه به نام و امضای ترک‌اوجاکی، تصمیم درخور توجهی بود. در آن ایام زبان فارسی در

۱. Yavuz Selim (Editor), Taşnak-Hoybun İleri Yayınları, No. 60, Birinci Basım: Haziran 2005.

۲. این اسناد و گزارش‌ها عبارتند از: نظامنامه خویبون (80-74.S)، متن توافقنامه‌ای که بین داشناک و خویبون به امضاء رسید (84-81.S)؛ پاره‌ای آراء پیرامون خویبون، مشتمل بر نقل قول‌هایی از لوسین رمبو، نیکیتین، ویلیام ایگلتون، محمد نوری درسیمی و س. آلدازی (87-85.S)؛ بیوگرافی‌ها، شامل شرح حال‌های کوتاهی از باذیل نیکیتین، مینورسکی، مرادپاشا، بوغوس نوبارپاشا، سیدعبدالقادر، سیدطه، احسان نوری، سمکو، دکتر محمد شوکرو، جمیل‌زاده قدری، میرحاج و ملامصطفی بارزانی (92-88.S) و مجموعه‌ای از تصاویر مربوط به افراد و نشریات و دیگر مضامین ذی‌ربط (111-104.S).

۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به جیکوب لاندو، پان‌ترکیسم، یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری، ترجمه دکتر حمید احمدی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳، صص ۸۲-۸۰، ۱۳۴-۱۳۳.

جوامع کُرد مانند دیگر حوزه‌های تمدنی ایران، هنوز یک زبان واسط و مشترک تلقی می‌شد.

در مورد نویسنده این اثر، «جهانگیر اندجانی» - اگر اسم، مستعار نباشد - اطلاعاتی به دست نیامد. بر اساس شرح حالی که خود در این متن به دست می‌دهد، ظاهراً متولد اندجان (اندیجان) از شهرهای آسیای میانه است و فارغ‌التحصیل دارالمعلمین تفلیس. می‌نویسد که در اواخر عمر فتحعلی آخوندزاده (۱۸۷۸-۱۸۱۲) با او معاشر بوده است. علاوه بر این، خاطرنشان می‌کند که در انتشار نشریه طونفوج (طلوع) که «... با لهجه تاتار قدیم در تفلیس مطبوعه انسی‌زادگان چاپ می‌شد و در بغچه‌سرای - [باغچه‌سرای] - با مؤسس وی اسمعیل‌بک [غصبرینسکی] نام توزیع می‌شد...» که بعدها «... به ترجمان قریم - [کریمه] - مبدل شد...» نقشی داشته است.^۱

«جهانگیر اندجانی» در ادامه از دیگر فعالیست‌های مطبوعاتی خود می‌نویسد و مقالاتی که به اسم «مشدی جهانگیر» در نشریات قفقاز منتشر کرد و همچنین نوعی مأموریت اطلاعاتی از سوی دولت روس در عالم اسلام. می‌نویسد برای مدتی با محافل مطبوعاتی ارمنی قفقاز نیز همکاری داشته و در خلال این فعالیت‌ها مورد سوءظن مقامات روس قرار گرفت و مجبور شد به ایران سفر کند. در ایران نیز «از تفلیس تعلیمات نورسید، مرا برای تدقیق احوال اکراد به میان کردهای ایران فرستادند».^۲

در ادامه سفر، سر از صفحات جنوبی و شرقی ایران درآورد و «پس از ۲۶ سال به مولدم اندجان رسیدم». مجدداً از راه هرات به افغانستان و سپس رهسپار هندوستان شد و پس از مدتی حشر و نشر با مسلمان‌های آن حدود از «راه بغداد و بصره به خاک حجاز» راه یافت. «در اواخر حرب عمومی به

خطه مصر رسیدم تا آن که در روسیه انقلاب بزرگ سر زد.^۱

سرگذشت خودنوشت «جهانگیر اندجانی» در این مرحله به پایان می‌رسد و از مراحل بعدی زندگانی‌اش تا زمان تدوین و انتشار این رساله در سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ اطلاعی به دست نمی‌دهد.

دو مطلب ارائه‌شده در این مجموعه، مقالات جنبش‌های ملی‌گردد و روابط ارامنه و کردها به قلم کارو ساسونی و رساله دانشناک- هویبون جهانگیر اندجانی از لحاظ طرز تلقی و تعبیر با هم تفاوت و حتی تعارضی آشکار دارند، ولی از یک منظر باهم تشابه دارند؛ یعنی از نظر ارزش آن‌ها در مقام یک سند تاریخی، و از این رو هر یک را نیز باید به مثابه سندی تلقی کرد که در کنار دیگر اسناد و مدارک ذی‌ربط می‌توانند علاقه‌مندان به این مبحث و پژوهشگران تاریخ را به درک و فهم دوره مورد بحث یاری دهند.

نگارنده سال‌ها پیش در چارچوب پژوهشی پیرامون مسائل مرزی ایران که بخشی از نتایج آن در سال ۱۳۷۴ تحت عنوان شورش کردهای ترکیه و تأثیر آن بر روابط خارجی ایران (۱۳۱۰-۱۳۰۷ ه.ش) منتشر شد^۲ با موضوع شکل‌گیری کمیته خویبون و شورش گروهی از کردهای ترکیه در آن ایام در منطقه مرزی آارات آشنا شد. اگرچه خاطرات احسان نوری‌پاشا فرمانده این شورش که در سال ۱۳۲۴ شمسی برای نخستین بار در روزنامه کوهستان منتشر شده بود در همان اثنا شناسایی شد و قرار بود به صورت پیوستی بر همان کتاب منتشر شود، ولی مقرر گردید کتاب مزبور بدون آن پیوست منتشر شود و تنها در مراحل بعد بود که توفیق انتشارش به صورت یک رساله علیحده دست یافت.^۳

۱. ص ۶۰ همین مجموعه.

۲. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۴.

۳. کاوه بیات (به کوشش)، وقایع آارات، خاطرات احسان نوری‌پاشا فرمانده کردهای شورشی ترکیه، ۱۳۰۹-۱۳۰۷ شمسی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه کتاب، ۱۳۷۸.

در این فاصله با دسترسی به مجموعه‌ای از اسناد و مدارک جدید می‌توان از فراهم آمدن زمینه برای طرح مجدد این بحث سخن گفت. یکی از دگرگونی‌های مهمی که در این زمینه صورت گرفته است امکان دسترسی پژوهشگران به قسمتی از آرشیو وزارت امور خارجه ایران است که در مورد مسائل مرزی ایران و ترکیه در این دوره به طور کلی و ماجرایی خویبون به صورت مشخص گزارش‌های درخور توجهی در خود دارد.^۱

امروزه می‌دانیم که در آرشیو ریاست جمهوری - نخست‌وزیری سابق - در بخش مربوط به وزارت دربار رضاشاه و همچنین در مجموعه اسناد دفتر مخصوص رضاشاه که در حال حاضر از آن به عنوان اسناد کاخ مرمر یاد می‌شود نیز گزارش‌های مهمی در این زمینه وجود دارد، باید امیدوار بود که زمینه دسترس پژوهشگران به این دو مجموعه نیز فراهم آید.

در زمینه اسناد و پژوهش‌های منتشر شده که به نحوی به شناسایی بیشتر این موضوع کمک می‌کنند از کتاب ژنرال احسان نوری پاشا به قلم رحیم اشنویی محمودزاده می‌توان یاد کرد^۲ و «شرح گزارشات و وقایع یومیه کمیسیون‌های تحدید حدود ایران و ترکیه در سال‌های ۱۳۰۹ و ۱۳۱۲» به قلم رحمت‌الله معتمدی (معمدالوزاره) که در سال ۱۳۹۰ تحت عنوان کلی مرزهای ایران و ترکیه منتشر شد.^۳

رساله دانشاک - خویبون را نیز باید در همین چارچوب مورد ارزیابی قرار داد، یعنی افزوده شدن سندی بر دیگر اسناد موجود. با آن‌که این رساله اصولاً خصلتی تبلیغاتی و افشاگرانه دارد و در آن سعی شده است که در توضیح

۱. برای نمونه بنگرید به نظام‌علی دهنوی (به کوشش)، اسنادی از روابط ایران و ترکیه (۱۹۳۷-۱۹۴۲)، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶، صص ۲۷۲-۲۲۳.

۲. تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۸۶.

۳. تهران: شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب با همکاری پردیس دانش، ۱۳۹۰.

علل و زمینه‌های بروز شورش کردهای ترکیه، انواع و اقسام دلایل بیشتر واهی مورد بحث قرار گیرد تا علت‌العلل این ماجرا که عبارت باشد از دگرگونی مهمی که در خلال گذر از خلافت عثمانی به جمهوری ترکیه تمامی ساختارهای سیاسی و اجتماعی آن حوزه را تحت‌الشعاع قرار داد اما همان مطالب یکجانبه‌ای هم که در این رساله مطرح شده‌اند نیز مانند هر سند تاریخی دیگر نکات مهمی در خود دارد.

همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد یکی از مهمترین ویژگی‌های این رساله و یا به عبارت دقیق‌تر علت اصلی انتشارش، ضرورت اتخاذ رشته اقداماتی به نظر می‌رسد در نقد و نفی یک دیدگاه نظری آریایی/ ایرانی که در چارچوب تحولات منطقه‌ای آن ایام برای مقابله با پان‌ترکیسم مطرح شده بود؛ دیدگاهی که طرح و بحث آراء دکتر محمود افشار - به قول این رساله «دکتر افشار متفنن ایرانی» - در مورد مخاطراتی که از جانب ترک‌ها متوجه جهان ایرانی بود در شکل‌گیری آن نقش مهمی داشت؛ سرآغاز این بحث به انتقاد بی‌پرده محمود افشار از معاهده وادادیه و تأمینیه ایران و ترکیه در اردیبهشت ۱۳۰۵ برمی‌گشت که وی در آن از خطر «تبلیغات و انتشارات تورانی» در ایالات غربی ایران نوشت و چندی بعد نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «خطرهای سیاسی» که در آن در کنار مخاطرات «سفید» (روسیه)، «آبی» (انگلیس) و «سبز» (اعراب)، بخش مفصلی نیز به خطر «زرد» اختصاص داشت که به موضوع پان‌تورانیسم و لزوم هشاری در برابر آن می‌پرداخت؛^۱ این مباحث در پاره‌ای از نشریات حزب دانشناک مانند هوسا پر و حاراج بازتاب گسترده‌ای یافت که به گونه‌ای که در رساله دانشناک - هویبون ملاحظه می‌شود، از نظر ترک‌ها دور نماند.

۱. دکتر محمود افشار، گنجینه مقالات، جلد اول مقالات سیاسی یا سیاست‌نامه جدید، تهران: انتشارات موقوفات افشار، ۱۳۶۸، صص ۲۹۴-۳۰۴ و ۵۱۷-۵۲۰.

بخشی از رساله داشناک- هویون به نقد جنبه‌های نظری این بحث و نتایج کاربردی‌اش - از نظر ترک‌ها- اختصاص دارد. در اشاره به وجه نخست می‌توان از مراحل اولیه «ترک کوهستانی» تلقی کردن کردها یاد کرد و این نظریه که فقط نوع زندگی کردها، آن‌ها را از ترک‌ها جدا کرده است؛ «یکی صحرانورد و بادیه‌پیمای و کوه‌نشین، دیگری شهری و مدنی کشوری است.»^۱ ولی جالب آن است که در این مرحله و یا لااقل در این رساله هنوز جوانب دیگر این دیدگاه که متضمن ارائه نظریه‌ای جدید در مورد ریشه نژادی ترک‌ها به عنوان تافته جدابافته‌ای از دیگر ملل و اقوام منطقه بود به صورت کامل رواج نیافته است؛ نگاهی که بر اساس آن کل ترک‌زبان‌ها - به غلط و در مغایرت کامل با داده‌ها و دانسته‌های تاریخی- برخاسته از یک ریشه نژادی آلتایی تلقی می‌شدند و به تدریج برای توضیح و توجیه آن به طرح و بحث یک مکتب بی‌اساس تاریخ‌نگاری نیاز افتاد که برای مدت زمانی مدید در جمهوری ترکیه رواج داشت. اما به گونه‌ای که در این رساله نیز می‌بینیم هنوز تا رواج و چیرگی چنین نظریه‌ای راه درازی در پیش بود و از این رو در رساله مزبور در کنار مقدمه «ترک کوهستانی» خواندن کردها، این را نیز می‌خوانیم که «در نزد ما ترک‌ها، تمامی اقوام اکراد اصلاً از عرق آری هستند. یعنی اکراد و ترک‌ها از یک عرقند.»^۲

در اشاره به تلاش داشناک- هویون در نقد نتایج عملی‌ای که احتمالاً از طرح و بحث آن دیدگاه آریایی/ ایرانی حاصل شده بود نیز می‌توان به اشارات و انتقادهای گذرای این رساله از نوعی همراهی و همدلی مقامات نظامی ایران با مراحل نخست شورش آارات اشاره کرد که احتمالاً چندان

هم بی‌راه نبود؛^۱ هرچند که این نگاه و - احتمالاً - عملکرد مبتنی بر آن پدیده‌ای گذرا بود و در همان مراحل تدوین و انتشار این رساله نیز به دست فراموشی سپرده شده و به یک همکاری فعالانه ایران و ترکیه در سرکوب شورش کردهای آزارات جای سپرد.^۲

یکی دیگر از نکاتی که در بررسی این رساله می‌تواند مورد توجه قرار گیرد سایه سنگین فضای سیاسی ترکیه در این مقطع بخصوص بر کل بحث است. اگرچه دولت ترکیه در این مرحله - اواخر دهه ۱۹۲۰ - بسیاری از بحران‌های داخلی و خارجی مراحل نخست شکل‌گیری جمهوری را پشت‌سر گذاشته و از یک ثبات درخور توجه سیاسی برخوردار بود ولی هنوز بخش وسیعی از جهان پیرامونش را دست‌اندرکار دسیسه و توطئه بر ضد خود می‌دید؛ از فرانسه و بریتانیا گرفته که از طریق حوزه‌های تحت قیمومیت خود در سوریه و عراق - به زعم مقامات آنکارا - کردها را بر ضد ترک‌ها تحریک می‌کردند تا طیف متنوعی از نیروهای مخالف داخلی چون هواداران خلافت عثمانی و پیروان فرقه حریت و ائتلاف که در این رساله به کرات از آن‌ها یاد شده است. اگرچه برای توضیح حتی‌الامکان پاره‌ای از این اشارات و تفسیرهای دانشناک - هویون مختصر تلاشی به عمل آمد ولی از آنجایی که در ایران هنوز در مورد این دوره از تاریخ جمهوری ترکیه و کشمکش‌های داخلی آن اطلاعات درخور توجهی نداریم، برخی از نکات و موارد مطرح‌شده کماکان مبهم و ناروشن می‌باشند و محتاج رسیدگی و توجه دیگر پژوهشگران.

رساله دانشناک - هویون به زبان فارسی است، ولی فارسی آن با آمیزه‌ای از اصطلاحات ترکی - عربی رایج در عثمانی از نوع خاصی است که سال‌ها

۱. بنگرید به صص ۸۸-۹۰ همین مجموعه.

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به کاوه بیات، شورش کردهای ترکیه...، پیشین، صص ۱۵۸-۱۳۴.

پیش سیدحسن تقی‌زاده در نقد و نظری از آن به عنوان فارسی «خان‌والده» یاد کرده بود.^۱ در ترتیب بازچاپ این رساله، آن‌گونه که اقتضای بازچاپ یک سند تاریخی است، هیچ‌گونه جرح و تصرفی صورت نگرفت؛ نه فقط رسم‌الخط و عناوین اصلی هر بخش، بلکه شماره‌های هریک از عناوین و شماره صفحات متن اصلی نیز به رغم به هم ریختگی‌هایی چند به صورت اصلی خود حفظ شد. در پاره‌ای از موارد که اصطلاحات به کاررفته زیادی نامأنوس و غریب می‌نمود با استفاده از مراجعی چون قاموس ترکی شمس‌الدین سامی و دیگر آثار مرجع، توضیحاتی در پاورقی افزوده شد و در مواردی نیز نگارنده از عهده توضیح این ابهامات برنیامد. با این حال خواندن این متن سهل و روان نیست و محتاج صبر و تأمل می‌باشد.

در پایان لازم می‌داند از تعدادی از دوستان و همراهان تشکر کنم؛ نخست از دوست گرامی جناب آقای نادر مطلبی کاشانی که رساله دانشک - هویبون را مرحمت کردند. سپس سرکار خانم آرمینه ایسانیان که سال‌ها پیش زحمت ترجمه دو فصل از کتاب کارو ساسونی را برعهده گرفتند و آنگاه دوستان گرامی سرکار خانم استپانیان و آقایان احسان هوشمند، علی کالیراد و سیدمهدی حسینی تقی‌آباد که برای رفع پاره‌ای از ابهامات متن به نگارنده کمک کردند.

کاوه بیات

۱. خان‌والده یکی از کاروانسراهای شهر استانبول و از مراکز اصلی ایرانیان در آن سامان به شمار می‌رفت. بنگرید به نشریه کاوه، ش ۳، دوره جدید، غره رجب ۱۳۲۸/۲۱ مارس ۱۹۲۰، در ایرج افشار (به کوشش) دوره کاوه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶، صص ۳۱۰-۳۰۹.